



پایان نامه  
کارشناسی ارشد  
رشته علوم حدیث  
گرایش نهج البلاغه

# شرایط و زمینه‌های برآمدن حق

و

## زوال باطل در کلام و سیره علوی

دانشجو  
سارا سلطانی

استاد راهنما  
دکتر سید محمد علی ایازی

استاد مشاور  
آقای مصطفی دلشاد تهرانی

آبان ماه ۸۹

رسالة محمد

دانشکده علوم حدیث

پایان نامه

کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش نهج البلاغه

# شرایط و زمینه های برآمدن حق

و

## زوال باطل

در کلام و سیره علوی

استاد راهنما

دکتر سید محمد علی ایازی

استاد مشاور

آقای مصطفی دلشاد تهرانی

دانشجو

سارا سلطانی

آبان ماه ۸۹

"تمام حقوق این اثر متعلق به دانشکده علوم حدیث است."

خداوندا دوستانی دارم که در اعماق قلبم جای دارند،

آنان شایستهٔ محبتند و یادشان مایهٔ آرامش؛

پس به آنان محبت کن و آرامش ببخش.

امام سجاد (علیه السلام)

تقدیم به دوستانم، در هر کجای تاریخ که حاضرند.

## چکیده

برآمدن حق در هر شأنی از شئون زندگی انسان، به معنای تلاش برای روشن کردن مسیر درست حرکت او و آسان کردن گام گذاشتن در آن است، و فرو رفتن به کام باطل، به معنای فراموش کردن این راه و روی آوردن به دیگر طرق است. در متون مختلفی همچون قرآن و نهج البلاغه و در حیطه‌های متفاوتی مانند سنت‌های الهی، به بحث و بررسی در رابطه با ویژگی‌های حق و باطل پرداخته شده است. در این میان بخش مهمی از این مبحث، با نگرانی انسان در دو راهی انتخاب‌هایش در ارتباط است. بنابراین از جمله مسائل پر اهمیت در بحث حق و باطل این است که آن را در شرایط مختلف زندگی انسان و برای او پیگیری کنیم، چنانچه در سیره امام علی (علیه السلام) نیز برآمدن حق با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و ظرفیت‌های وجودی افراد صورت می‌پذیرد. پژوهش حاضر بر آن است تا حق را به واسطه امکانات و توانایی‌های حق و ویژگی‌های فضای سه‌گانه، انسان، عالم و خداوند مورد بررسی قرار دهد. در این راستا فصل نخست به بیان کلیاتی درباره حق و باطل و روشن ساختن نقش هر یک از عناصر فضای سه‌گانه یاد شده، در فرآیندهایی می‌پردازد که منجر به برآمدن حق می‌شوند. فصل دوم، در پی شناخت ویژگی‌های حق برآمده و طی همین شناخت، شکل رابطه و تعامل بین حق و باطل مشخص می‌گردد. نهایتاً در فصل سوم، صفاتی همچون صدق، وفای به عهد و ... به عنوان شکل‌هایی از آرایش مناسب انسان در این فضای سه‌گانه، در جهت برآمدن حق، مطرح می‌شوند.

کلید واژه: حق، باطل، صفات حق، سنت‌های الهی، نهج البلاغه.

## فهرست مطالب

مقدمه	۱
<b>فصل اول: کلیات</b>	
مدخل	۱۳
۱-۱ مفاهیم	۱۴
۲-۱ بررسی واژگانی حق و باطل	۱۷
۳-۱ ویژگی‌ها و خصوصیات حق و باطل در قرآن	۱۸
۱-۳-۱ سبقه وجودی حق	۱۹
۱-۳-۱-۱ بررسی تفصیلی آیه ۱۷ سوره رعد	۲۰
۲-۳-۱-۲ خصوصیات حق و باطل	۲۱
۳-۳-۱-۳ سرانجام حق و باطل	۲۵
۴-۱ سنن تاریخی	۲۷
۱-۴-۱ صورت‌هایی از سنن تاریخی در قرآن	۲۸
۲-۴-۱ رابطه سنن تاریخی و انسان	۳۳
۵-۱ تغییرات اجتماعی	۳۵
۱-۵-۱ مفهوم تغییر اجتماعی	۳۶
۲-۵-۱ عوامل، شرایط و کارگزاران تغییر	۳۷
۱-۲-۵-۱ عوامل زیر بنایی	۳۹
۱-۱-۲-۵-۱ بررسی اجمالی برخی از نظرات مارکس	۴۰
۶-۱ حق و باطل در جامعه و تاریخ	۴۸
۷-۱ عناصر اجتماع	۵۲

۵۳	۱-۷-۱ رابطه انسان با هستی .....
۶۰	نتیجه بحث .....
<b>فصل دوم: شرایط و زمینه‌های برآمدن حق و زوال باطل در کلام و سیره علوی</b>	
۶۲	مدخل .....
۶۳	۱-۲ ویژگی‌های حق و باطل در کلام علوی .....
۶۴	۱-۱-۲ ابزار و روش شناخت حق .....
۶۴	۱-۱-۲-۱ شناخت حق .....
۶۷	۲-۱-۱-۱ مبنای سنجش حق و باطل .....
۷۴	۲-۱-۱-۲ پیروان حق و باطل .....
۷۸	۲-۱-۱-۴ ابزار شناخت حق و باطل .....
۸۵	۱-۲-۱-۱ موانع شناخت حق .....
۸۷	۲-۱-۲ ویژگی‌های حق و باطل در جهت شناخت آن‌ها .....
۸۷	۲-۱-۲-۱ روشن بودن حق .....
۹۰	۲-۱-۲-۲ استفاده از ناسازدهای درون باطل .....
۹۹	۲-۱-۲-۳ جفت نشدن باطل با پدیده‌های عالم .....
۱۰۰	۲-۱-۲ ویژگی‌های حق و باطل در جهت برآمدن حق .....
۱۰۰	۲-۱-۳ فرآیند عمل حق و باطل .....
۱۰۲	۲-۱-۳-۲ اختلاف حق و باطل با یکدیگر .....
۱۰۳	۲-۱-۳-۳ آسانی پیمودن راه حق .....
۱۰۴	۲-۱-۳-۴ صیانت از حق .....
۱۰۷	۲-۱-۳-۵ شناخت روند حرکت و تحول باطل .....
۱۱۰	۲-۲ روند برآمدن حق .....
۱۱۱	۲-۲-۱ روابط دوگانه‌ها در عالم .....
۱۱۳	۲-۲-۲ ابزار تحقق حق .....



۱۲۰.....	۳-۲-۲ اختلاف
۱۲۹.....	۱-۳-۲-۲ برآمدن به کمک محور مشترک
۱۳۷.....	۲-۳-۲-۲ پیشی گرفتن در نیکی‌ها
۱۴۳.....	۳-۳-۲-۲ دفع بدی با نیکی
۱۵۲.....	نتیجه بحث

### فصل سوم: چگونگی تحقق روند برآمدن حق و زوال باطل در سیره علوی

۱۵۴.....	مدخل
۱۵۵.....	۱-۳-۱ یقین
۱۵۸.....	۱-۱-۳ چپستی شبهه
۱۶۰.....	۲-۱-۳ آغاز شبهه
۱۶۱.....	۳-۱-۳ اقسام مردم در برابر شبهه
۱۶۴.....	۴-۱-۳ برخورد در برابر شبهه
۱۶۴.....	۱-۳-۱-۴ توقف
۱۶۷.....	۲-۴-۱-۳ سنجش امور به آغاز آن‌ها
۱۶۸.....	۳-۴-۱-۳ گام نهادن در شبهه، با نور یقین
۱۷۷.....	۲-۳-۲ ذکر
۱۸۲.....	۱-۲-۳ نمودهای غفلت
۱۸۶.....	۲-۲-۳ رابطه یاد با انسان
۱۹۱.....	۳-۳-۳ صدق
۱۹۱.....	۱-۳-۳ عملکرد صدق در برآمدن حق
۱۹۷.....	۲-۳-۳ صدق در کلام علوی
۱۹۸.....	۳-۳-۳ صدق در سیره علوی
۲۰۵.....	۴-۳-۳ کذب
۲۰۶.....	۴-۳-۳ وفای به عهد

۲۰۶.....	۱-۴-۳ اهمیت وفای به عهد و جایگاه آن
۲۰۹.....	۲-۴-۳ رابطه وفای به عهد و برآمدن حق
۲۱۵.....	۳-۴-۳ نتیجه عدم وفای به عهد
۲۱۷.....	نتیجه بحث
۲۱۸.....	خاتمه
۲۱۹.....	پیشنهاد
۲۲۰.....	فهرست منابع

## مقدمه

از امتیازات برجسته سخنان امیرمؤمنان که به نام نهج البلاغه امروز در دست ماست، این است که محدود به زمینه‌ای خاص نیست. علی به تعبیر خودش تنها در یک میدان اسب نتاخته است، بلکه در میدان‌های گوناگون که احياناً بعضی با بعضی متضاد است تکاور بیان را به جولان آورده است. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«خاصیت همه جانبه بودن سخن علی (ع) و روح عظیم او چیزی نیست که تازه کشف شده باشد، سید رضی که به هزار سال پیش تعلق دارد متوجه این نکته و شیفته آن است و در این باره می‌گوید: از عجایب علی (علیه السلام) که منحصر به خود اوست و احدی با او در این جهت شریک نیست این است که وقتی انسان در آنگونه سخنانش که در زهد و موعظه و تنبه است تأمل می‌کند، موقتاً از یاد می‌برد که گوینده این سخن خود، شخصیت اجتماعی عظیمی داشته و فرمانش همه جا نافذ و مالک الرقاب عصر خویش بوده است و شک نمی‌کند که این سخنان از آن کسی است که جز زهد و کناره‌گیری چیزی را نمی‌شناسد و کاری جز عبادت و ذکر ندارد، گوشه‌خانه یا دامنه کوهی را برای انزوا اختیار کرده، جز صدای خود چیزی را نمی‌شنود و جز شخص خود کسی را نمی‌بیند و از اجتماع و هیاهوی آن بی‌خبر است. کسی باور نمی‌کند که سخنانی که در زهد و تنبه و موعظه تا این حد موج دارد و اوج گرفته است از آن کسی است که در میدان جنگ تا قلب لشکر فرو می‌رود، شمشیرش در اهتزاز است و آماده ربودن سر دشمن، دلیران را به خاک

می‌افکند و از دم تیغش خون می‌چکد و در همین حال این شخص زاهدترین و عابدترین

عباد است»<sup>۱</sup>.

از سوئی می‌توان گفت، در این میانه مردی از زهد و صفات اخلاقی و رابطه انسان با مبدأ عالم، عالمانه و عاشقانه، سخن به میان می‌آورد، که یکه‌تاز عرصه اجتماع و یگانه خورشید عدالت‌گستر زمانه است. با چنین اوصافی، سخن گفتنش از خداوند، چه شیرین بر گوش دل‌ها می‌نشیند و چشم دوختن به بلندای قامت انسانی‌اش، چه اندازه دلپسند و خواستنی خواهد بود.

در سخنان گوهر بارش می‌بینید ضمن اینکه از وعظ و پند و اندرز و زهد، سخن می‌گوید، به امور جنگی و بسیج عمومی برای جهاد می‌پردازد، سپس رشته سخن را به آموزش عملی آن‌ها و درس‌های عالی از چگونگی آسمان‌ها و آنچه در آن نهفته است و اسراری از موجودات زمینی می‌کشد و از آنجا به فلسفه آفرینش و اثبات وجود آفریدگار جهان و تفنن در معارف الهی و بحث خداشناسی و کیفیت مبدأ و معاد پرداخته و توجه خود را به امور مملکت‌داری و سیاست کشوری و زندگی ملت‌ها معطوف می‌دارد و به دنبال آن از آشنا ساختن مردم به فضایل اخلاقی و قوانین اجتماعی و آداب معاشرت و مکارم اخلاق و ظواهر زندگی دنیا و غیر از این‌ها سخن به میان می‌آورد.<sup>۲</sup> روی آوردن به نهج البلاغه به منزله نشستن در مدرسه تعلیم و تربیت امیرمؤمنان و تأثیر گرفتن از روح آن حضرت و پرورده شدن به خوی ایشان است<sup>۳</sup> و چنانچه از گستردگی مفاهیم این کتاب شریف و عظمت روح گوینده آن پیداست، این مدرسه در صدد پرورش انسانی با همه ابعاد وجودی او، گام برمی‌دارد، انسانی که بتواند در میانه جنگ، مرد میدان و کوبنده شمشیر حق بر پیکره باطل باشد و گاه عبادت، پوینده مسیر بندگی و سرسپردگی.

اگر بخواهیم گفته‌های علی (ع) را تحت عناوینی کلی قرار دهیم ملاحظه می‌شود که بخش اعظم آن در اطراف سه موضوع اصلی خدا، جهان و انسان دور می‌زند.<sup>۴</sup>

---

۱. مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه، چاپ دوم، تهران، انتشارات عین الهی، ۱۳۵۸، ص ۲۶-۲۸.

۲. شهرستانی، سید هبة الله، در پیرامون نهج البلاغه، ترجمه سید عباس میرزاده اهری، چاپ سوم، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۵۹، صص ۲۳-۲۴.

۳. دلشاد تهرانی، مصطفی، چشمه خورشید، چاپ دوم، تهران، انتشارات دریا، ۱۳۸۲، ص ۱۸۴.

۴. نجیب، زکی، به نقل از محمد حسین آل یاسین، نهج البلاغه از کیست؟ ترجمه محمود عابدی، چاپ اول، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۰، ص ۱۸.

## مضامین اجتماعی نهج البلاغه

مجموعه وسیعی از آرای اجتماعی در نهج البلاغه به صورت خام و بدون دسته بندی ارائه شده است، از این رو لازم است دسته بندی و تقسیمی از آرای اجتماعی نهج البلاغه ارائه شود که شامل: رابطه انسان با خدا، رابطه انسان با خود، رابطه انسان با دیگران و سیاست‌های دولت است.

دو بخش رابطه انسان با خدا و خود، در ابتدا تھی از مضامین اجتماعی و بی‌ارتباط به روابط حاکم میان انسان‌ها پنداشته می‌شوند، لیکن هنگامی می‌توان این سخن را پذیرفت که، از رابطه انسان با خدا، مباحث متافیزیکی محض اراده شده باشد، اما بخش عظیمی از رابطه انسان با خدا، که در نهج البلاغه ترسیم شده است، آن دسته از سفارشات امام به انسان‌هاست که به نحوه تعامل آنان با خالق خود باز می‌گردد و نوعی رفتار بشری به حساب می‌آید. هر چند اینگونه رفتارها و فعالیت‌های بشری در محدوده تعاملات اجتماعی به معنای دقیق کلمه وجود ندارد؛ ولی از آنجایی که هر انسانی نمادی از اجتماع بوده و نحوه رابطه او با خدا بر منش اجتماعی او با دیگران اثر می‌گذارد از این رو می‌توان آن‌ها را از یک منظر اجتماعی و از منظری دیگر فردی دانست.

بعد اجتماعی در رابطه انسان با خود روشن تر است. انسان با پرورش رفتارهای خود در پذیرش روش و منشی خاص، به باز آفرینی خود می‌پردازد و این امر اثر فراوانی بر تعامل آنان بر دیگران می‌گذارد. نیکویی و پلیدی سرایت پذیر هستند و پاکی یا پلستی هر انسانی به اطرافیان خود و به هر که در دایره اثر گذاری او قرار دارد، راه می‌یابد، بنابراین جامعه همانگونه خواهد بود که افراد آن هستند.<sup>۵</sup> در این میان به چند مثال در رابطه با هر یک از این مضامین اکتفا می‌کنیم.

### رابطه انسان با خدا

امام (ع) در نامه‌ای به پسر ابوبکر چنین می‌فرماید:

«هیچ گاه غضب پروردگار را با رضای احدی از بندگانش معامله نکن؛ زیرا که رضای

پروردگار جانشین چیزهای دیگر است و چیزی نیست که بتواند جانشین رضای خداوند

باشد».<sup>۶</sup>

---

۵. مغنیه، محمد جواد، در سایه سار نهج البلاغه، ترجمه محمد جواد معموری، چاپ اول، قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴ به نقل از عبده حسن الزیات.

۶. شریف رضی، أبو الحسن محمد بن الحسن الموسوی، نهج البلاغه، ضبط نصح و ابتکار فهارسه العلمیه صبحی صالح، الطبعه الاولى، دار الکتب اللبنائی بیروت، ۱۳۸۷ق، نامه ۲۷.

همچنین نامه‌های امام به والیان و قاضیان با عباراتی اینچنین آغاز می‌شود، به عنوان مثال به مأمور جمع آوری زکات چنین می‌فرماید:

«به او امر می‌کنم که در کارهای سری و اعمال پنهانی‌اش از خدا بترسد به گونه‌ای که باور داشته باشد جز خدا شاهد و کفایت کننده‌ای وجود ندارد و نیز به او امر می‌کنم که در ظاهر اطاعت پروردگار را نکند و در نهان خلاف آن را انجام دهد».<sup>۷</sup>

به نظر می‌رسد که از این دو مصداق نوع رابطه انسان با خداوند و تأثیر آن در دیگر روابط انسان، از نظر امام (ع) تا حدی معنا شده باشد، چنانکه می‌بینیم توجه به رضای پروردگار یگانه مبنای انجام عمل انسانی می‌باشد و البته بهترین مبنای جهت بخش به سایر اعمال انسان.

#### رابطه انسان با خود

در سخنی از امام (ع) چنین آمده است:

«هر که در درون خویش اندرزگویی داشته باشد، از جانب پروردگار، او را نگهبانی خواهد بود».<sup>۸</sup>

و سخن خود را در جایی دیگر اینچنین توضیح می‌دهد که: «آن کس که نتواند خود را پند دهد تا از گناه کناره گیرد به طور قطع دیگری نمی‌تواند این کار را برای او انجام دهد»<sup>۹</sup>

این رابطه به نوعی خودآگاهی انسان اشاره دارد و منظور از خودآگاهی در اینجا، همان است که خداوند می‌فرماید:

﴿بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾<sup>۱۰</sup>

بلکه انسان خود بر نفس خویشتن بیناست.

این بینایی و خودآگاهی است که مسیر انسان را در پیمودن راه حق روشن خواهد کرد و همچنان که در حکمت ۸۷ در همین قسمت دیدیم، این آگاهی بر خویشتن، با تعاملی از جانب پروردگار، مورد تأیید قرار خواهد گرفت.

---

۷. همان، نامه ۲۶.

۸. همان، حکمت ۸۷.

۹. همان، نامه ۹۰.

۱۰. قیامت / ۱۴.

## رابطه انسان با دیگران

در این رابطه کلام و سیره بسیاری از امام علی (ع) به جای مانده است که به علت رعایت اختصار به اندکی از بسیار، اکتفا خواهیم کرد.

به عنوان مثال امام قاعده هوشیارانه‌ای در شناخت فضیلت و نیکویی وضع نمود، که آنچه را آشکارا از انجامش شرم داریم، پنهانی انجام ندهیم:

«از هر کار نهانی که در انجام شدنش شرم داری، پرهیز کن».<sup>۱۱</sup>

همو معیار ارزشمندی در رفتار با دیگران از خود به جای گذاشته است، آنجا که می‌فرماید:

«ای پسر! نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود

دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای

دیگران نپسند، ستم روا ندار، آنگونه که دوست نداری به تو ستم شود».<sup>۱۲</sup>

امام آشکارا و با صراحت به تعاون و همکاری میان انسان‌ها دعوت می‌کند و این تعامل را، نعمتی از جانب پروردگار می‌داند و در ساحت‌های مختلف هستی آدمی، آن را مورد خطاب قرار می‌دهد. آنچنان که در آن هنگام که گروهی از سربازان خود را عازم جنگ می‌کرد، به آنان فرمود:

«هر کدام از شما در صحنه نبرد با دشمن در خود احساس شجاعت و دلاوری کرد و

برادرش را سست و ترسو یافت، به شکرانه این برتری باید از او دفاع کند، آنگونه که از

خود دفاع می‌کند».<sup>۱۳</sup>

همچنین می‌فرماید:

«کسی که نعمت‌های فراوان خداوند به او روی کرد، نیازهای فراوان مردم نیز به او روی

می‌آورد».<sup>۱۴</sup>

---

۱۱. شریف رضی، نهج البلاغه، پیشین، نامه ۶۹.

۱۲. همان، نامه ۳۱.

۱۳. همان، خطبه ۱۲۳.

۱۴. همان، حکمت ۳۷۱.

بنابراین چنانچه می‌بینیم در سیره علوی، نیاز انسان‌ها به یکدیگر و تعامل آن‌ها در مسیر رفع این نیازها، از جانب امام به عنوان امکانات بالقوه آدمی در مسیر حرکت او، به حساب می‌آید که در صورت بهره‌گیری از آن‌ها، نعمت بر او جاودانه می‌شود و در صورت نپرداختن حقوق آن، این نعمت از انسان زائل می‌گردد.<sup>۱۵</sup>

#### سیاست‌های دولت

امام علی (ع) آرای ارزشمند و متینی در موضوع ماهیت حکومت، سیاست، وظیفه حاکم، نحوه‌گزینش قاضیان، تقسیم وظایف و ... دارد. نامه او به مالک اشتر نخعی بسیاری از این موارد را در بر می‌گیرد، لیکن حکمت‌ها و اندرزهای امام در این موضوعات به این نامه ختم نمی‌شود. در این رابطه نیز مثال‌های بسیاری وجود دارد که به دلیل اهمیت رابطه تعاملی بین حاکم و مردم، به مصداقی در این زمینه اشاره می‌کنیم.

امام (ع) در نامه خود به مالک اشتر چنین می‌فرماید:

«هر گاه رعیت بر تو بدگمان گردد، عذر خویش را آشکارا با آنان در میان بگذار و با این

کار، از بدگمانی نجاتشان ده که این کار برای ریاضت تو و مهربانی کردن نسبت به رعیت

است و این پوزش خواهی تو، آنان را به حق وامی‌دارد».<sup>۱۶</sup>

این مطالب تنها گوشه‌ای از دیدگاه‌ها و مضامین اجتماعی نهج البلاغه است که به اختصار مورد توجه قرار گرفت. در ادامه به طرح مسائلی مربوط به این تحقیق پرداخته می‌شود.

حق و باطل از جمله مفاهیمی هستند که با زندگی انسانی عجین گشته‌اند، اما رویکردهای متفاوتی در مواجهه با آن وجود دارد. این رویکردهای متفاوت برخاسته از این مسئله است که سئوالات موجود درباره حق و باطل، با توجه به چه عاملی شکل گرفته است؛ گاهی شناخت راه‌های برآمدن حق، تنها در زمینه اجتماعی مورد اهمیت قرار می‌گیرد و گاهی در زمینه مسائل سیاسی و... اما اغلب به مباحث تئوریک در این زمینه اکتفا می‌شود. از آنجا که پیش از این نیز گفته شد، حق و باطل عناصری است که با زندگی انسانی در هم تنیده شده، بنابراین باید از جایی نزدیک به زندگی او و در ارتباط با او مورد بررسی قرار گیرد. در همین راستا ابتدا باید به سئوالاتی در زمینه حق و باطل اندیشید، سئوالاتی که اغلب برای انسان ملموس و قابل تأمل است. برخی از سئوالاتی که در ابتدای امر پیش می‌آید در ادامه ذکر خواهد شد. برخی از این سئوالات از این قرارند:

---

۱۵. همان، ادامه حکمت.

۱۶. همان، نامه ۵۳.



آیا حق آشکار است و قابل شناخته شدن؟ اگر چنین است پس چرا هر کس برای خود تفسیری دارد و برای عده ای مورد شبهه قرار می‌گیرد؟ ماهیت درونی باطل چیست که امر را بر انسان مشتبه می‌کند؟ چه معیار انسانی مورد قبولی می‌توان برای تعریف حق و باطل ارائه کرد که از جانب همه انسان‌ها پذیرفتنی باشد؟ وانگهی رابطه میان حق و باطل چگونه است؟ پیروزی حق بر باطل چگونه تفسیر شدنی است و حق چگونه ماهیت باطل را نمایان می‌کند؟

برای یافتن سؤالاتی در باب حق و باطل، همانگونه که گفته شد بهتر است که این سؤالات از زندگی انسان برآید تا برای پاسخ دادن به آن‌ها ناچار به گزافه‌گویی نباشیم و به تکلف در گفتار دست نیازیم. یکی از این سؤالات این است که از خود پرسیم حق و باطل همچون چه چیزی برای انسان، نمود پیدا می‌کند؟ این سؤال به ما کمک می‌کند که بتوانیم موضوع را به زندگی انسان نزدیک کنیم.

حق و باطل در این مقال همچون چیزی که برای انسان و در رابطه او با عالم معنا پیدا می‌کند، مورد بررسی قرار می‌گیرد، بنابراین بررسی حق و باطل بودن کل هستی در اینجا مد نظر نیست. این مسئله که حق و باطل "برای" انسان معنا پیدا می‌کند و اینکه در این مسیر چه چیزی به برآمدن حق یاری می‌رساند در این نظرگاه اهمیت دارد. این مسئله رابطه مستقیمی به نوع نگاه ما به "روند" برآمدن حق و همچنین صفات و ویژگی‌های حق و باطل دارد که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه برای نزدیک کردن هر چه بیشتر بحث به آنچه مدنظر است اهمیت دارد که پرسیده شود:

حق و باطل همچون چه چیزی ظهور می‌کند؟

حق و باطل همچون چیزی است که انتخاب می‌شود و با انتخاب آن خویشتن را انتخاب می‌کنیم. باطل همچون چیزی که منجر به هلاکت می‌شود و حق همچون چیزی که منجر به نجات می‌شود و اگر انتخاب شود بی پاسخ نخواهد ماند و از جایی که انسان نمی‌پندارد، پاسخ داده می‌شود.<sup>۱۷</sup>

#### طرح مسئله:

در طول تاریخ بشریت، همواره تعارض میان حق و باطل وجود داشته است و هرچند از دید بشر به نظر رسد که این موضوع - همچنان که گاهی از نظرگاه سنت‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌گیرد - مربوط به گذشتگان

---

۱۷. اشاره به بخشی از آیه ۳ سوره طلاق که می‌فرماید: «وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»

است و با زمان حال ارتباطی پیدا نمی‌کند، اما این کشاکش حق و باطل، حتی اگر در زندگی اجتماعی انسان نادیده گرفته شود، در درون آدمی قابل اغماض نیست چه اینکه در کوچکترین ابعاد زندگی بشر و در انتخاب‌های او در هر سطحی، خود را نشان می‌دهد. حق و باطل هر دو در ظاهر نمود دارند اما از آنجا که حق ماندنی و بر اساس فطرت و خواسته طبیعی انسان است و باطل از بین رفتنی و بر خلاف طبیعت و حرکت بشری است، نمود آن دو نیز متفاوت است. توجه به این مسئله یعنی هم راستا بودن حق با فطرت بشری، خود یکی از راه‌های مهم برای شناخت حق و برآمدن آن است. شرایط و زمینه‌های چندی برای برآمدن و ظهور حق و باطل وجود دارد که هر یک در بستر مناسب خویش رشد کرده و شکوفا می‌شود، اما آنچه اهمیت دارد پیروزی حق بر باطل است که در نهایت به برآمدن و ظهور حق می‌انجامد. این پیروزی می‌تواند به صورت انتزاعی مورد بررسی قرار گیرد اما آنچه مسلم است تا مفهوم پیروزی حق بر باطل و راه‌های برآمدن حق از درون باطل برای انسان معنا دار نشود، پیمودن این مسیر برای بشر چندان ممکن نخواهد بود. یافتن راهی قابل دسترس برای بشر، که بتواند به واسطه آن در سطوح خرد و کلان، به صورت آگاهانه در جهت برآمدن حق برآید، از دید این سطور پر اهمیت جلوه می‌کند.

#### **ضرورت و اهداف:**

توجه به مسئله برآمدن حق و زوال باطل از این حیث اهمیت دارد که انسان همیشه نگران پایان کار و نتیجه انتخاب‌های خویش است. از جمله نگرانی طرفداران حق این بوده که تلاش آن‌ها در راه ظهور حق به پیروزی ختم نمی‌شود. آن‌ها اولاً قوانین پیروزی حق بر باطل را نمی‌دانند و ثانیاً به نتیجه کار یقین ندارند. بنابراین پرداختن به این موضوع باعث می‌شود که قوانین برآمدن حق شناخته شده و یاران حق به سرانجام انتخاب و تلاش خویش امیدوار شوند.

چنانچه بخواهیم برآمدن حق را همچون عاملی مهم در زندگی انسان مورد توجه و بررسی قرار دهیم باید بتوانیم آن را با توجه به امکانات بالقوه زندگی بشری که از توانایی‌های خود بشر و امکانات جامعه و به طور کلی عالم، تشکیل شده است مورد بررسی قرار دهیم. از دیگر موارد اهمیت این موضوع آن است که اغلب، امکانات بالقوه فضایی که در دسترس انسان است و یا امکانات نشأت گرفته از ویژگی‌های حق و باطل، در این روند از دید انسان مغفول می‌ماند و ممکن است انسان‌ها برای برآمدن حق به دنبال امکانات مستقل و بیرون از این

فضا و ویژگی‌ها برآیند، این تحقیق برآن است تا این امکانات بالقوه را هر چه بیشتر نمایان کند تا به کمک آن، برآمدن حق بیش از پیش برای انسان قابل دسترس و امکان‌پذیر گردد.

هدف از پرداختن به بحث حاضر با شیوه‌ای متفاوت از پژوهش‌های پیشین به این دلیل است که نقش انسان در رابطه با امکانات عالم در این میان و در ارتباط با برآمدن حق بیشتر مشخص گردد.

سئوالاتی که این تحقیق در صدد پاسخگویی به آن‌ها برآمده، به شرح زیر است:

(۱) حق و باطل در مفاهیم عام انسانی و توسط امام علی(ع) چگونه توصیف شده است؟

(۲) شرایط برآمدن حق و باطل چیست؟

(۳) تحقق روند برآمدن حق و زوال باطل چگونه است و روش حضرت علی (ع) در استفاده از این شرایط و زمینه‌ها چگونه است؟

فرضیاتی که مبنای آغاز این تحقیق بوده‌اند چنین است:

- حق به مثابه امری فطری است که امکان دارد در شرایط واقعی(انضمامی) به تمامی ظهور نداشته باشد، اما نشانه‌هایی از آن وجود دارد و باید شرایطی را ایجاد کرد که هر چه بیشتر ظهور کند و باطل به مثابه امری ناپایدار و از بین رفتنی است که به واسطه مشتبه شدن به حق نمود می‌یابد.

- شناخت حق و در پرتوی آن توجه به شکل رابطه بین حق و باطل و آرایش مناسب انسان در برابر فضای سه‌گانه عالم، از جمله مواردی است که به برآمدن حق یاری می‌رساند.

- چنانچه این شرایط تحقق یابند، بستر مناسبی جهت پیروزی حق بر باطل به وجود می‌آید. امام علی (علیه السلام) این شرایط را با توجه به زمان، مکان و ظرفیت‌های وجودی مخاطبان در جهت هدایت آنان به کار گرفته‌اند.

#### پیشینه تحقیق:

به علت اهمیت مبحث حق و باطل، پژوهش‌های بسیاری پیرامون این مسئله انجام گرفته است. برخی از این تحقیقات، حق و باطل را در سنت‌های تاریخی مورد بررسی قرار داده‌اند که پیشینه بررسی سنت‌های تاریخی به زمان ابن‌خلدون باز می‌گردد هرچند به صورت مصداقی به این موضوع پرداخته نشده باشد. از جمله چنین بررسی‌هایی می‌توان به کتب زیر اشاره کرد: سنت‌های اجتماعی در قرآن نوشته شهید سید محمد باقر صدر و همچنین سنت‌های اجتماعی در قرآن نوشته احمد حامد مقدم و برداشتی از جامعه و سنن اجتماعی در قرآن

نوشته محمد جعفر نجفی علمی. لازم به ذکر است که اغلب این پژوهش‌ها، قوانین اجتماعی را از آن جنبه که عمومیت و کلیت دارد و همواره بر زندگی انسان‌ها حکم فرما می‌باشد مورد بررسی قرار داده اند نه آن دسته از قوانین که به شرایط اجتماعی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف بستگی پیدا می‌کند؛ به عنوان مثال ممکن است شرایط خاص جامعه‌ای در به وجود آمدن مواردی همچون تباهی و گناہانی در آن جامعه مؤثر باشد، اما این کتاب‌ها و اغلب کتاب‌هایی که به مبحث سنن تاریخی پرداخته‌اند، خالی از مسائلی اینچنینی هستند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی حق و باطل در سایر زمینه‌ها همچون بررسی واژگانی و صفات و ویژگی‌های این دو در قرآن کریم و آیات و روایات به صورت مستقل پرداخته‌اند، که از این جمله می‌توان به پایان نامه‌ها و مقالاتی در این زمینه اشاره کرد که برخی از آن‌ها بدین قرار است: حق و باطل از نظر قرآن و حدیث، محمد رضا احمدی، حق و باطل از دیدگاه قرآن کریم، زاهد خسروی، حق و باطل در قرآن، صادق قلی‌پور، حق و باطل در قرآن و روایات، مهدی گوهریان بخشایش و همچنین مقاله حق و باطل از دیدگاه امام علی (علیه السلام) که در مجله علوم انسانی معرفت، شماره ۲۹ به چاپ رسیده است.

#### محدودیت‌ها

اغلب پژوهش‌های موجود در ارتباط با حق و باطل در فضایی انتزاعی و دور از دسترس بشر و در یک زمینه خاص به بررسی حق و باطل پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به صورت جامع تمام وجوه مسئله برآمدن حق و زوال باطل را مورد بررسی قرار داده است، بنابراین عملاً پژوهشی که حق را به واسطه امکانات و توانایی‌های خود حق، عالم، انسان و خدا، مورد بررسی قرار دهد، در دسترس نمی‌باشد. به همین واسطه می‌توان انتظار داشت که مباحث پژوهش حاضر با همه تلاش‌هایی که صورت گرفته، در مواردی دچار نقصان باشد، ولی به هر حال امید است که خوانندگان و محققین بتوانند از همین اندک نیز در جهت فهم و بسط این مطالب در پژوهش‌های خویش استفاده نمایند.

#### ساختار بحث

**فصل اول:** در فصل نخست به بیان کلید واژه‌ها و مفاهیم موجود در این تحقیق پرداخته شده است. در این راستا نظریاتی در مورد مسائل مرتبط با فضای کلی بحث ارائه شده که از جمله این مباحث می‌توان به سنت‌های الهی و برخی از نظریات جامعه‌شناسی تغییرات اشاره کرد. در نهایت در این فصل، فضایی که حق و باطل در آن با یکدیگر و سایر عناصر عالم به تعامل می‌پردازند مورد توجه قرار می‌گیرد.